

تجربه زنان از خشونت خانگی: یک مطالعه کیفی

مژده کیانی^۱

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: خشونت علیه زنان، پدیده‌ای جهانی است که در حوزه‌های خصوصی و عمومی زندگی تجربه می‌شود. هدف این مقاله، مطالعه تفسیر زنان اصفهان از اشکال خشونت خانگی بود.

روش: مطالعه حاضر با استفاده از رهیافت کیفی با رویکرد تفسیری و روش پدیدارشناسانه در سال ۱۳۹۱ و با شرکت ۱۰ نفر از زنان متأهل شاغل با برگزاری جلسات بحث گروهی متمرکز و مصاحبه‌های اکتشافی و عمیق در طول یک دوره ۱۲ ماهه انجام شد. داده‌ها جمع‌آوری و ثبت شد و سپس کدگذاری انجام گرفت. داده‌ها در قالب مقوله‌های عمده، مقوله‌بندی شدند. این مقولات عمده، به استخراج یک مقوله اصلی منتهی شد که مقوله محوری و اساسی تحقیق را شامل می‌شود.

یافته‌ها: سن زنان مشارکت کننده بین ۳۰ تا ۵۳ سال و سطح تحصیلات آنان از سواد خواندن و نوشتن تا فوق لیسانس متغیر بود. یافته‌ها حاکی از آن بود که اولین مشاغل و رفتارهای خشونت‌آمیز از زمان عقد شروع شده بود. اشکال مختلفی از اعمال خشونت در خانواده توسط شرکت کنندگان گزارش شد. اعمال خشونت از جر و بحث، دعوا تا خشونت فیزیکی و کتک زدن متفاوت بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به فرایند تحلیل داده‌ها، فرضیه ویژگی عمومی و فراگیر بودن خشونت در خانواده بین همه پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی شکل گرفت.

کلید واژه‌ها: زنان متأهل شاغل، خشونت خانگی، روش پدیدارشناسانه

ارجاع: کیانی مژده. تجربه زنان از خشونت خانگی: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۳؛ ۳ (۱): ۲۶-۱۴.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۰۱

مقدمه

حوزه خصوصی و عمومی بر زنان اعمال می‌شود (۱). اگرچه آمار پژوهش‌های انجام شده درباره خشونت خانگی علیه زنان در سال‌های اخیر در ایران بسیار زیاد است، اما پژوهشی وجود ندارد که تفسیر زنان از خشونت را بیان کند. پژوهش کیفی در موضوع خشونت خانگی در ایران کافی نیست. با توجه به این امر مهم، ضرورت و اهمیت موضوع مقاله به چگونگی تعریف زنان از خشونت خانگی مربوط است. تعاریف ارایه شده در پژوهش‌هایی با موضوع خشونت، تمامی ابعاد تجربه شده این مسأله خانوادگی و اجتماعی را در برنمی‌گیرد. زنانی که

زنان که یکی از ارکان مهم خانواده محسوب می‌شوند، در معرض خشونت در خانواده قرار دارند. اگرچه خشونت خانگی در همه جوامع وجود دارد، اما به دلیل وقوع آن در حوزه خصوصی، پنهان و به دلیل اعمال آن توسط مردان مشروع است. یکی از مشخصات کلی خشونت علیه زنان در سراسر جهان این است که در بیشتر موارد از نظرها پنهان است. زنان تا کارد به استخوانشان نرسد؛ از زندگی خشونت‌آمیز خود حرفی نمی‌زنند. خشونت علیه زنان فقط خانگی نیست و در دو

۱- استادیار، گروه علوم اجتماعی، بخش علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

نویسنده‌ی مسئول: دکتر مژده کیانی

Email: mjdhkiani@yahoo.com

ماهیت محدودی دارد، اما به صورت‌های جدی‌تر حمله و خشونت تبدیل می‌شود. سیلی یا کتک خوردن اغلب با تأیید عمومی از سوی دیگران روبه‌رو می‌شود و احتمال دارد حتی به عنوان خشونت هم قلمداد نگردد. پذیرش فرهنگی این خشونت خانوادگی در تضعیف عامیانه قدیمی بیان گردیده است (۲).

در بررسی سوابق این موضوع در متون پژوهشی مواردی مشاهده می‌شود. تحقیقی با همین موضوع در شهر جیرفت انجام شد. در پژوهش مذکور، زنانی که سرمایه اجتماعی بیشتری نسبت به زنان دیگر دارند به پشتوانه این منبع قدرت، کمتر از زنان دیگر مورد خشونت واقع می‌شوند. تحصیلات شوهر نیز متغیر دیگری است که نظریه منابع بر آن است؛ یعنی افرادی بیشتر از خشونت استفاده می‌کنند که به منابع دیگر مانند تحصیلات و درآمد دسترسی ندارند (۷).

طبق نتایج پیمایشی (World Trade Organization) WTO در سال ۲۰۰۲، زنانی که خشونت‌های خانگی را تجربه کرده‌اند، احتمال این‌که دچار دردهای مزمن، بیماری‌های معدوی، سندرم‌های شکمی، خسارات چشمی و عدم توانایی و کاهش فیزیکی لازم برای انجام امور شوند، نسبت به زنان معمولی و خشونت ندیده بیشتر است (۸). تجربه جامعه نپالی نشان می‌دهد که شبکه وسیعی از اعضای خانواده در راستای حفظ فرهنگ زن فرمانبر در ازدواج، شاید در خشونت نیز مشارکت داشته باشند یا از آن چشم‌پوشی کنند. از این‌رو، حتی هنگامی که زن تمایل دارد شکایات رسمی خود را به پلیس اقامه کند، اثبات وقوع خشونت خانگی نزد مسؤولان قضایی برای او بسیار دشوار است؛ چرا که بسیاری از بستگان وی مایل هستند شهادت دهند که در خانه آن‌ها زندگی به طور عادی جاری بوده است. این‌گونه انکار یا عدم تمایل به بحث بر سر سوء رفتار نسبت به زنان، شرایط را برای توجه به خشونت خانگی در نپال دشوار می‌کند (۹).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در آمریکا ۳۵-۳۰ درصد زنان مورد آزار جسمی شوهرانشان و ۲۵-۱۵ درصد آنان حتی به هنگام بارداری نیز مورد ضرب و شتم شوهرانشان قرار می‌گیرند. ۴۱ درصد زنان هندوستان در برابر آزار جسمی همسران خود دست به خودکشی می‌زنند. ۶۲ درصد از زنان

خشونت را تجربه کرده‌اند، بهتر می‌توانند آن را تعریف کنند. از نگاه زنان، چه مواردی خشونت محسوب می‌شود؟ خشونت در محیط‌های خانوادگی یک قلمرو مردانه می‌باشد و مردان در اعمال خشونت خود را محق می‌دانند.

می‌توان خشونت خانوادگی را تجاوز فیزیکی که توسط یک عضو خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر صورت می‌گیرد، تعریف کرد (۲). خشونت علیه زنان یک مشکل اجتماعی است (۳). سازمان بهداشت جهانی (World Health Organization یا WHO) خشونت علیه زنان را از علل اصلی اضطراب، افسردگی، افکار خودکشی و استرس در بین زنان می‌داند (۴). خشونت خانوادگی نسبت به زنان در اشکال مختلف جسمی و روانی دارای عمری به قدمت تاریخ بشری است. واقعیتی تلخ و انکارناپذیر که زندگی و کرامت انسانی زنان را خدشه‌دار و صدمات غیر قابل جبرانی به آنان وارد می‌نماید (۵). خشونت کنشی است که با هدف آسیب‌رسانی فیزیکی و روانی به دیگران انجام می‌شود. خشونت خانگی چنین تعریف شده است: «هر نوع خشونت میان همسران فعلی و قبلی در روابط خصوصی، در هر مکان و زمانی که این عمل اتفاق بیافتد. این خشونت ممکن است شامل خشونت فیزیکی، جنسی، عاطفی یا مالی باشد. قربانیان خشونت خانگی در امور مختلفی مانند خانگی، سلامتی، آموزشی و... دچار مشکل و رنج می‌شوند» (۶).

چرا خشونت خانوادگی تا این اندازه متداول است؟ چندین دسته عوامل در این امر دخالت دارند که یکی از آن‌ها ترکیب عواطف شدید و نزدیکی و صمیمیت شخصی است که ویژگی زندگی خانوادگی را تشکیل می‌دهد. پیوندهای خانوادگی به طور معمول سرشار از عواطف نیرومند است که اغلب عشق و نفرت را در هم می‌آمیزد. نزاع‌هایی که در محیط خانوادگی صورت می‌گیرد می‌تواند خصومت‌هایی را پدید آورد که در زمینه‌های اجتماعی دیگر به همان ترتیب احساس نمی‌شوند. آن‌چه تنها حادثه کوچکی به نظر می‌رسد، می‌تواند تخاصمات پدافندانه‌ای را میان زن و شوهر و یا بین والدین و کودکان برانگیزد.

عامل دوم این واقعیت است که در عمل خشونت در خانواده به میزان زیادی تحمل و تأیید می‌گردد. اگرچه خشونت خانوادگی که از نظر اجتماعی مجاز شمرده می‌شود به نسبت

مقتول در سال ۱۹۷۸ در کانادا، توسط شوهرانشان کشته شده‌اند (۱۰). در فرهنگ‌های جنوب آسیایی، مسأله مهم برای حفظ خانواده، مفهوم آبرو یا «ایزات» است که در قالب رفتار نجابت‌آمیز، شخصیت خوش اخلاق، احترام، کمال و صداقت تعریف می‌شود. این سنت اخلاقی حفظ آبروی خانواده، به مردان تفوق و سخت‌گیری و به زنان حیا، شرم و پرهیز از رفتارهای غیر اخلاقی را دیکته می‌کند. بنابراین در حالی که زنان جنوب آسیایی در مرتبه‌ای پایین‌تر از مردان جای گرفته‌اند و به شدت تحت کنترل درآمده‌اند، برای پایگاه خانواده دارای اهمیت زیادی است (۳).

دیدگاه فمینیستی (Feminism) معتقد است، خشونت علیه زنان به خصوص خشونت خانگی، ریشه در فرهنگ و ساختار سیاسی جامعه دارد که پدرسالاری را تشویق می‌کند و زنان در روابط خصوصی تحت سلطه مردان قرار می‌گیرند (۱۱). دیدگاه فمینیستی تسلط مرد و اجتماعی شدن جهت استفاده از قدرت را منشأ خشونت می‌داند. این دیدگاه بیان می‌کند که خشونت خانگی نتیجه پدرسالاری و تسلط مرد و نابرابری جنسی است (۱۲). بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین، چگونگی تفسیر مردم از دنیای پیرامون خویش تحت تأثیر روشی است که آن‌ها رفتار می‌کنند. این‌ها بر اساس نگرش، ارزش‌ها و باورهای هستند که بخشی از فرهنگ را تشکیل می‌دهند. بیشتر تبیین‌های رایج از خشونت، ناتمام و جزئی هستند؛ چرا که به طور جداگانه بر پدیده خشونت تأکید می‌کنند، بدون آن که سعی در ارایه چهارچوب جامعی که دربرگیرنده خشونت‌های ساختی، نهادی و بین فردی است، داشته باشند.

این پژوهش با هدف مطالعه چگونگی تعریف زنان شهر اصفهان از خشونت علیه زنان و مفهوم‌سازی آنان از این که چه چیزی رفتار خشونت‌آمیز علیه زنان را تشکیل می‌دهد و زنان چه ابعادی را برای تعریف یک عمل به عنوان خشونت علیه زنان در نظر می‌گیرند؟ انجام شد.

روش

تحقیق حاضر یک مطالعه کیفی با رویکرد تفسیری روش پدیدارشناسانه بود که در سال ۱۳۹۱ با شرکت ۱۰ نفر از زنان

متأهل و شاغل و با برگزاری جلسات بحث گروهی متمرکز و مصاحبه‌های اکتشافی و عمیق صورت گرفت. این مطالعه با روش کیفی و با تکنیک مصاحبه مشخص انجام شد. هر جلسه حدود ۲ ساعت به طول انجامید. افراد مشارکت‌کننده این پژوهش را زنان متأهل و شاغل دانشگاه اصفهان تشکیل می‌دادند. به دلیل همکاری خوب این مشارکت‌کنندگان در اجرای پژوهش کیفی «توزیع قدرت در خانواده» در سال ۸۹-۱۳۸۷ و اعلام آمادگی مشارکت‌کنندگان حاضر برای مطالعه خشونت خانوادگی، اجرای مصاحبه و بحث گروهی متمرکز در سال ۱۳۹۱ آغاز شد. در این تحقیق برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده گردید و اطلاع‌رسانان بر اساس اهداف خاص تحقیق و استراتژی‌های حل مسأله انتخاب شدند. شیوه نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی-میدانی، نمونه‌گیری کیفی است که به آن نمونه‌گیری هدفمند و یا نمونه‌گیری نظری نیز گفته می‌شود. نمونه‌گیری نظری بر اساس مفاهیمی صورت می‌گیرد که در خلال تحلیل ظهور می‌یابند. نمونه‌گیری و مصاحبه تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که فرایند تجزیه و تحلیل و اکتشاف به اشباع نظری برسد (۱۳، ۱۲).

با استفاده از معیار اشباع نظری، در مورد تعداد نمونه‌ها تصمیم‌گیری شد و بر اساس این معیار، زمانی که محقق به این نتیجه برسد که انجام بیشتر مصاحبه و مشاهده، اطلاعات بیشتری در اختیار وی نمی‌گذارد و تنها تکرار اطلاعات قبلی است، در این حالت جمع‌آوری اطلاعات متوقف می‌شود. به دلیل آن که در هر متن و زمینه زندگی اجتماعی ممکن است مردم، حامل واقعیت‌های متفاوتی باشند که به طور اجتماعی ساخته شده و راه‌های متفاوتی برای تفسیر کنش‌های خود و دیگران وجود داشته باشد؛ بنابراین از روش تحقیق کیفی تئوری مبنایی با رویکرد تفسیری برای بررسی خشونت در خانواده بهره گرفته شد تا متناسب با زمینه‌های اجتماعی و تفسیر مطلعین کلیدی، از چگونگی روابط زن و مرد در خانواده به مدل برخاسته از ایران در شهر اصفهان دست یافته شود. تعابیر و تفسیرهای مشارکت‌کنندگان در تحقیق کیفی، عنصر معنی‌دار واقعیت اجتماعی به شمار می‌رود. بنابراین یکی از راه‌های

کشف این عناصر، مصاحبه و به ویژه مصاحبه عمیق می‌باشد. اطلاعات به دست آمده حاصل بیش از ۲۰ ساعت مصاحبه و ۲۵ ساعت جلسات گروهی با زنان شرکت کننده در طول یک دوره ۶ ماهه می‌باشد. مقولات در زمان مطالعه موارد دیگر، مورد بازنگری و تصحیح قرار گرفت و با توجه به تکرار مقولات در مصاحبه‌ها و مصاحبه‌های گروه متمرکز، اشباع تئوریک حاصل شد.

محققان کیفی در طول مطالعه و تحقیق و بعد از آن، این سؤال را می‌پرسند: «آیا چیزی که به دست آوردیم درست است؟» (۱۴)، «آیا این امکان وجود دارد که یک پاسخ درست داشته باشیم؟» و برای پاسخ به این سؤالات، محققان نیاز دارند تا به خودشان، به شرکت کنندگان و خوانندگان نگاهی بیاندازند (۱۵). مسایل پژوهش کیفی بیشتر به واقعی بودن، اعتمادپذیری، انتقال‌پذیری، وابستگی و اتکاپذیری ارتباط دارد. کار پژوهشگر کیفی ارایه توصیف‌های عمیق به گونه‌ای است که خوانندگان بتوانند به خوبی درک کنند که نتایج بررسی انتقال‌پذیر است. تحلیل مفهومی باید صادقانه از روی داده‌ها استنتاج و در برابر هماهنگی منابع مختلف داده‌ها بررسی شود. از این گذشته، چون معنای ارتباط به شناخت بافت و زمینه مربوط بستگی دارد و زمینه‌ها به گونه خودآگاه برای انتقال معانی چندگانه طرح می‌شود، پژوهش کیفی باید به گونه‌ای کامل و جامع توصیف‌هایی درباره توسعه آن زمینه باشد. Lincoln و Denzin (به نقل از محمدی) معتقد هستند که متن تحقیقات کیفی باید دارای خاصیتی باشد که از آن «صداقت نویسنده» ساطع گردد و این بدان معنی است که گزارش باید بتواند مخاطبان را به درست بودنش متقاعد کند (۱۶). مهم‌ترین نکته درباره قابلیت اعتبار این است که با معیارهای تحقیقات کیفی قضاوت شود. به ویژه این که این دو بر الگوهای متفاوتی مبتنی هستند و با جهان‌بینی متفاوتی به پدیده‌های اجتماعی می‌نگرند.

بنابراین در تحقیق کیفی بررسی ماهیت داده‌ها مهم است و با بررسی اعتبار پژوهش پیوند دارد. هنگامی که روش جمع‌آوری داده‌ها بر اساس روش‌های کمی و کیفی متفاوت باشد، ماهیت داده‌های تولید شده نیز متفاوت خواهد بود. در

این پژوهش سعی بر آن بود که بر اساس اصول مورد وثوق مبدعان و پژوهشگران کیفی، اعتبار پژوهش مورد توجه قرار گیرد. در تحقیق حاضر به منظور تضمین اعتبار فرایند تحقیق، برخی از نکات ضروری زیر رعایت شد: خودداری از صحبت کردن در میدان و تا حد امکان گوش کردن، دقیق بودن یادداشت‌ها، نوشتن به موقع داستان‌ها و روایت‌ها، قرار دادن داده‌های کافی در اختیار خوانندگان؛ به گونه‌ای که این امکان را به خوانندگان یادداشت‌ها بدهد تا به تنهایی آن را بخوانند و بتوانند استنباط‌های خودشان را از گزارش داشته باشند و در عین حال قادر به فهم و دنبال کردن استنباط‌های محقق باشند. داستان‌ها و گزارش تا حد ممکن کامل، روشن و سراسر باشد. دنبال کردن بازخورد یافته‌ها و نوشته‌ها در میدان یا در میان همکاران، برقراری تعادل میان جنبه‌های مختلف، دقت در نگارش از روش‌های دیگر تضمین اعتبار فرایند تحقیق بود (۱۷).

در این تحقیق سعی بر آن بود که با درگیر کردن نمونه‌ها در فرایند کدگذاری و تفسیر، نقش محقق در تفسیر داده‌ها به حداقل برسد و بررسی مجدد داده‌ها بر اساس تحلیل مشارکت کنندگان صورت گیرد که به نظر Lincoln و Guba (به نقل از Denzin و Lincoln) «کنترل توسط اعضا» یا به عبارت دیگر، ارزیابی اعتبار به روش ارتباطی داده‌ها و تفسیر توسط اعضای میدان مورد مطالعه (۱۸) نامیده می‌شود. در پژوهش کیفی، محقق برای مدت طولانی با نمونه‌های تحقیق ارتباط دارد، فرایند تولید داده خود به بازتعریف اعتبار پژوهش کمک می‌کند. ابتدا بسترسازی شکل‌گیری مصاحبه و بحث گروهی متمرکز برای زنان متأهل بسیار دشوار بود. در زمینه رعایت موازین اخلاقی، کسب اجازه برای ضبط صدا و یادداشت‌برداری میدانی، همچنین عدم افشای هویت مشارکت کنندگان در ارایه گزارش پژوهش از موارد مورد توجه محقق بود. افراد مشارکت کننده این پژوهش را زنان متأهل شاغل در دانشگاه اصفهان تشکیل دادند.

انجام مصاحبه‌های اکتشافی با زنان متأهل در دانشگاه اصفهان آغاز شد. هنگام برگزاری مصاحبه‌های گروهی متمرکز و مصاحبه‌های عمیق، سؤالات اساسی زیر از

مشارکت‌کنندگان پرسیده شد: «تعریف زنان از خشونت خانگی چیست؟، چگونگی اشکال خشونت خانگی؟ و چگونگی اعمال خشونت خانگی؟». مصاحبه‌ها به دو صورت مصاحبه گروهی متمرکز و مصاحبه عمیق برگزار شد. به شرکت‌کنندگان برای ابراز عقیده‌شان درباره این که خشونت علیه زنان چیست؟ فرصت داده شد. آن‌ها تشویق می‌شدند تا درباره عقیده‌شان در رابطه با خشونت علیه زنان صحبت کنند و نظرشان را درباره عبارت «خشونت خانگی» بیان نمایند.

پس از تعیین پرسش‌های اصلی و طراحی چارچوب طرح در مراحل میانی مطالعه، بر اساس امکانات موجود برای انجام تحقیق کیفی و مطالعه میدانی، جمع‌آوری داده‌ها از طریق انجام مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و اجرای مصاحبه‌های گروهی متمرکز با زنان متأهل (مطلعان کلیدی) دانشگاه اصفهان شروع شد. ارتباط طولانی مدت محقق با مطلعین کلیدی و مشارکت‌کنندگان، آشنایی با نحوه تفسیر آنان از تعاملات خانوادگی و اجتماعی جدید و کشف روابط پنهان داده‌ها، تجربه متفاوتی را برای محقق رقم زد. در پژوهش حاضر، مرحله تحلیلی بر اساس غرق شدن در اطلاعات و تکرار طبقه‌بندی‌ها، کدگذاری‌ها و مقایسه‌ها انجام شد. در پژوهش حاضر محقق با دو رویه تحلیلی اصولی در روند کدگذاری مواجه بود. در این رابطه، نام‌گذاری مقولات دارای اهمیت زیادی است. پرسش‌هایی که در این مرحله از تحقیق از داده‌ها پرسیده می‌شد عبارت بود از: «چه پدیده‌ای در بین داده‌ها در حال شکل گرفتن است؟، چه کسی اعمال خشونت می‌کند؟، چرا خشونت ادامه می‌یابد؟، چه کسی کوتاه می‌آید؟، چه کسی تحمل می‌کند؟، از چه زمانی خشونت در خانواده شکل گرفته است؟ و چرا پدیده خشونت در خانواده شکل گرفته است؟». بررسی مقولات از طریق تجزیه و تحلیل خط به خط، امر مهمی است. با مقایسه مفاهیم با یکدیگر و مراجعه به یادداشت‌های نظری که در جریان مصاحبه و گروه متمرکز صورت گرفت، مشخص شد که زنان بر اساس فرهنگ جامعه، برای کنترل خشونت با مانع روبه‌رو هستند. این پدیده ضمن این که در داده‌های خام مشاهده شد، بعد از استخراج و کدگذاری اطلاعات مربوط به درک و تفسیر

خشونت در قالب مقوله‌های عمده نیز مقوله‌بندی گردید. این مقولات عمده، به استخراج یک مقوله هسته منتهی شد که مقوله محوری و اساسی تحقیق را شامل می‌شود. برای نظم بخشیدن به ارتباط داده‌ها بین مقولات و یکپارچگی، تلفیقی از تفکر استقرایی و قیاس استفاده گردید که در آن به طور مرتب بین پرسش، ارایه فرضیه و مقایسه کردن‌ها حرکت و رفت و آمد وجود دارد. گروه در تحقیق حاضر، محیطی تعاملی به وجود آورد. شرکت‌کنندگان در جلسات اولیه کلماتی مثل فرهنگ، خانواده، زور گفتن مردان، کوتاه آمدن زنان و تحمل زنان را زیاد تکرار می‌کردند. در جلسات بعدی گروه، شرکت‌کنندگان دسته‌هایی از تحلیل اطلاعات و سؤالات تحقیقاتی خود را بررسی می‌کردند. مرحله تحلیلی بر اساس غرق شدن در اطلاعات و تکرار طبقه‌بندی‌ها، کدگذاری‌ها و مقایسه‌ها انجام گرفت. این مقوله‌ها به عنوان مقوله‌های اصلی انتخاب شد.

یافته‌ها

سن زنان مشارکت‌کننده در این مطالعه بین ۳۰-۵۳ سال متفاوت بود. آنان دارای تحصیلات از سواد خواندن و نوشتن تا فوق لیسانس بودند. مشاغل آنان شامل تایپیست، منشی، مسؤول دفتر، کارشناس آموزش، کارشناس پژوهش، کتابدار و کارشناس ارشد و پراکندگی تحصیلی همسران مشارکت‌کننده از سیکل تا فوق لیسانس متغیر بود. مدت ازدواج شرکت‌کنندگان از ۳-۸ سال و اختلاف سنی آن‌ها با همسرانشان، از هم‌سن تا ۷ سال متفاوت بود. در بین ۱۰ مشارکت‌کننده، دو نفر دارای مدرک فوق لیسانس، سه نفر لیسانس، چهار نفر دیپلم و یک نفر دارای سواد خواندن و نوشتن بود. در بین شوهران افراد مشارکت‌کننده، یک نفر دارای مدرک فوق لیسانس، سه نفر لیسانس، یک نفر فوق دیپلم و بقیه تا مقطع دیپلم و زیر دیپلم تحصیل کرده بودند.

با توجه به تکرار کلمات «فرهنگ، تحمیل کردن، زور گفتن، پنهان کردن، آبروداری و کوتاه آمدن» در داده‌ها، این مقوله‌ها به عنوان مقوله‌های اصلی انتخاب شدند. با تکرار سؤالات و تحلیل داده‌های مربوط به شرکت‌کنندگان زن،

مقولات گزاره‌ای زیر حاصل گردید.

الف) هنجارهای فرهنگی، مشروعیت اعمال خشونت، اشکال اعمال خشونت

ب) آگاهی، نگرش، سن ازدواج، نوع ارتباطات، عادت، نوع ارتباط مرد با خواهر و مادر

ج) قلمرو، تکرار، میزان، شدت، زمان، ویژگی‌های زنان و مردان

د) صبر و تحمل

ه) احساس عدم کنترل و ناتوانی، کوتاه آمدن

تعریف خشونت خانگی

به طور تقریبی همه مشارکت کنندگان در تعریف خشونت به واژه‌های «تحمیل» و «زور گفتن» مردان اشاره کرده‌اند.

هما (همه اسامی مستعار می‌باشد) خشونت را این گونه تعریف می‌کند: «بعضی وقت‌ها خشونت می‌تونه عادت باشه... برخی افراد عادت کردن با اصرار و خشونت چیزی رو از دیگران بخواهند. خشونت رفتاری خارج از حالت عادی است. اصولاً خشونت به موقعی مربوط است که کسی حرفش رو به سایر افراد تحمیل کنه، خواسته‌های خودش رو تحمیل کنه. در جامعه ما، مرد چنین رفتاری دارد که خواسته‌اش رو تحمیل می‌کند. اولین مرتبه در زندگی مشترک هنگام یک بحث، نمکدان را پرتاب کرد و به من گفت برو بیارش. گفتم: چرا؟ گفت برو بیارش تا بهت بگم! خیلی احساس تحقیر شدن بهم دست داد و من این تحقیر کردن رو خشونت تعریف می‌کنم».

مرجان، خشونت را دعوا و جر و بحث زن و شوهر تعریف می‌کند. او می‌گوید: «وقتی بحث نباشد، خشونت هم نیست. اگه بحث نباشه، دعوا شروع نمی‌شه. سکوت با عصبانیتی که بحث نباشد، خشونت نیست. خشونت به طرز صحبت کردن است. به نظر من جر و بحث بیشتر از مرد شروع می‌شود. شوهرم از من خواسته‌هایی داره که از نظر من غیر قابل قبوله. او می‌گه تو محیط کاری اصلاً با کسی حرف نزن، ارتباط نداشته باش... مگه می‌شه؟ به نظر من رفتارش اشتباه است. می‌گه با برادر شوهرم نباید حرف بزنم».

زری می‌گوید: «خشونت چیزهایی است که باعث به هم ریختن تعادل افراد می‌شه. اگر امنیت روانی به هم بریزد،

خشونت است. برخی افراد دوست دارند یکی رو آزار بدن. شاید شوهر برخی زنان، فهمیدن زنان روی چی حساس هستند، به عمد یک رفتار را انجام می‌دن، این خشونت است. زن‌های قدیم در مسایل جنسی ناچار بودن خواسته جنسی آقایان را حتی اگر آمادگی نداشتند، برآورده کنند. یکی از ظلم‌هایی که یک نوع خشونت است، حق انتخاب همسر است. زنان حق انتخاب ندارند، باید صبر کنند خواستگار بیاید چون اجازه انتخاب برای زنان نیست که بتوانند مثل مرد خواستگاری کنند. چون اگه زن خواستگاری کنه به عمر باید جواب بدهد، این به نظر من خشونت است».

شهناز با تأکید بر درک و تفاهم، خشونت را این گونه تعریف می‌کند: «وقتی درک نباشد، خشونت اتفاق می‌افتد. وقتی تفاهم در کار نباشد، همیشه ازت می‌پرسند: چرا این‌جا رفتی؟ چرا اینو پوشیدی؟ چرا آرایش کردی؟ چرا این رنگی پوشیدی؟...».

مریم می‌گوید: «بد اخلاقی، عصبانیت، کم‌محلی، غذا نخوردن و قهر کردن مردان خشونت است».

در این تفاسیر و تعاریف مشارکت کنندگان از خشونت خانگی، هنجارهای فرهنگی و زمینه‌های خانوادگی مشروعیت اعمال خشونت منجر به شکل‌گیری تجربیات خاص در رابطه با اعمال خشونت مردان علیه زنان در خانواده شده است. مطیع بودن و کوتاه آمدن با هنجارهای فرهنگی مانند «آبروداری» و «حفظ حریم خصوصی» مرتبط است و اعمال خشونت مردان را ماندگار و پایدار کرده است. تجربیات هما مصداق هنجارهای فرهنگی است. هما از اولین مشاخره دوران عقد می‌گوید: «تازه دیپلم گرفته بودم که عقد کردیم. همسرم مرتب از من می‌خواست در طول هفته چند روز به خانه‌شان بروم. خانواده من مخالف بودن. من می‌ترسیدم چیزی بهش بگم. یه روز همسرم آمد مرا ببرد خانه‌شان، گفتم نمی‌یام. گفت: اگه نیامدی، دیگه منو نمی‌بینی. منم از ترس آبرو و حرف مردم و به خاطر خانواده‌ام که در اثر اختلاف ما ناراحت نشن، باهاش رفتم. این اولین مشاخره، سنگ‌بنای پیشروی شوهرم در زور گفتن شد. خشونت به فرهنگ جامعه و خانواده مربوط است».

اگرچه سناناز خود را زمینه‌ساز خشونت خانگی می‌داند، اما

چیز عادی بود، ولی پس از آن دعوا شروع شد و هنوز هم ادامه دارد. اول من شروع کردم... شک کردم به تلفن‌های مشکوک و شکم درست بود. من به محض این‌که ارتباط آن‌ها را متوجه می‌شدم، دعوا را شروع می‌کردم. حالا از یک چیز کوچک شروع می‌شود.

نوع روابط زن و شوهر، شرایط اقتصادی و اشتغال زن و مرد، نوع خانواده زوجین و روابط خانواده پدری مرد از مواردی است که مشارکت کنندگان به آن به عنوان زمینه بروز خشونت اشاره کردند. هما می‌گوید: «اگر روابط دوستانه باشد، دلیلی ندارد شوهر چیزی را با فشار بخواهد. اگر رفاقت باشد، خواسته خودت رو مطرح می‌کنی». ساناز تعریف می‌کند: «خشونت به نوع خانواده مربوط می‌شود... من پرتوقع بودم، از پدر و مادرم خیلی توقع داشتم. خانواده شوهرم قانع بودن». مریم معتقد است که: «همیشه اولین اختلاف هیچ وقت پاک نمی‌شه و زمینه خشونت می‌شه». مهدیه می‌گوید: «خشونت می‌تونه از طرف زن و مرد باشه... تو زندگی ما، خشونت از طرف شوهرم است. دعوا راه می‌اندازد. بعد خودش رو می‌کشد کنار که به بچه‌ها بگوید بهتر از من است. ازدواج ما دیدن و عاشقی نبود. این‌ها آمدن خواستگاری و چون از من بالاتر بود، جواب مثبت دادیم. موقع عصبانیت و خشونت شوهرم، من کوتاه می‌یام. بچه‌ها بزرگ هستند، به همین دلیل من آشتی می‌کنم».

قلمرو اعمال خشونت از دیرباز محدود به زن و فرزندان بود. روندی که هر روز در تکرار می‌باشد و شدت آن از کم تا زیاد متفاوت بوده است. همچنین زمان از ابتدای ازدواج تا ۳۰ سال در نوسان بوده است. مهدیه می‌گوید: «در این ۳۰ سال انواع عصبانیت رو دیدم».

علاوه بر زمینه و موقعیت، شرایط مداخله‌گری هم وجود داشتند که گسترده بودند و بر شرکت کنندگان تأثیر می‌گذاشت. بر اساس نقش مقوله‌های «سن، عادت و رابطه مرد با خواهر و مادر» در کدگذاری، شرایط مداخله‌گر شامل نگرش‌ها، سن زوجین، عادت و نوع رابطه مرد با خواهر و مادر شناسایی شدند.

اشکال و شیوه‌های اعمال خشونت خانگی

اشکال مختلفی از اعمال خشونت در خانواده توسط شرکت

گفته‌های او نیز مصداق هنجارهای فرهنگی است: «بیشتر عصبانیت تقصیر من است. من جوش می‌آورم. شوهرم منطقی است. من قهر می‌کنم. ایشان آشتی می‌کنن. اختلاف ما سر کار و اشتغال من بود. شوهرم مخالف کار کردن من است. بعد از ازدواج من شاغل شدم. همسرم آرامه، من داغ می‌کنم. من در جمع با عصبانیت تغییر رفتار می‌دهم. مادر خانه باید آرام باشد». گفته‌های مریم نیز مصداق هنجارهای فرهنگی است. او می‌گوید: «برای پسر هر جا خواستگاری می‌روم، دنبال دختر آرام هستم».

زمینه‌های خانوادگی مشروعیت اعمال خشونت

روابط زن و شوهر در عرصه خانواده بر اساس مشروعیت رفتارهای مرد شکل می‌گیرد و نهادینه می‌شود. خانواده، مکان اعمال قدرت مردان شناخته می‌شود و برای حفظ قدرت، اعمال خشونت مردان مشروعیت می‌یابد. جامعه مردان را مجاز می‌داند که در مواجهه با نافرمانی یا شکست زناشویی دست به خشونت بزنند. زری می‌گوید: «مردها در خانواده این طوری‌اند که مسایل رو از دید خودشان می‌بینند. جایی که مردها کم می‌بارن به زنان خشونت می‌کنند».

پروین تعریف می‌کند: «وقتی خانواده شوهرم آمدن خواستگاری، همه می‌گفتن تو چیزی نگو، اجازه بده اون حرف بزنه و حرف مرد تعیین کننده بود». هما در این رابطه گفت: «ما اگر رفاقت نباشد و شوهرت خشن باشد، به هر ترتیبی باشد حرفش را به کرسی می‌نشانند».

زمینه و موقعیت خشونت خانگی

علایم زمینه و موقعیتی عبارت از قلمرو، تکرار، شدت، زمان و ویژگی‌های زنان و مردان بودند. بر اساس تکرار مقوله‌های ابتدای نامزدی، ابتدای عقد، دوران عقد، اوایل زندگی، ابتدای ازدواج، «اوایل ازدواج» و «مرور زمان» علایم زمینه و موقعیت شکل گرفت. هما می‌گوید: «از ابتدای ازدواج، شوهرم این قبیل رفتارها را در زندگی مشترک تشدید کرد و ادامه داد». پروین می‌گوید: «شوهرم از دوران عقد مرا کتک می‌زد». مرجان تعریف می‌کند: «اولین جر و بحث ما به موضوع خانوادگی بود. چهار سال پس از ازدواج زنی وارد زندگیم شده بود و با شوهرم رابطه داشت. چهار سال اول همه

خانه پدرش، خواهرش، برادرش. کافی بود که بگم نمی‌یام... جنگ راه می‌انداخت. من و پسر هم از ترسمون همراهش مهمانی می‌رفتیم، شب که برمی‌گشتیم من باید ظرف‌هارو که آقا ناهار خورده بود می‌شستم. آخر هفته هم که مهمان دعوت می‌کرد و ما حق اظهارنظر و اعتراض نداشتیم. یک روز دیرم شده بود گفتم: آژانس بگیر برو سر کار، آن‌چنان دعوایی راه انداخت که مجبور شدم برسونمش. بین راه در مسیر گفتم تا جایی می‌رسونمت بقیه مسیررو با تاکسی برو که ناگهان دیدم یه سیلی زد تو گوشم!

مهدیه می‌گوید: «همسرم یک وقت دو هفته‌ای یک بار هم صحبت نمی‌کند. وقتی در مورد بچه‌ها صحبت می‌کنیم یک دفعه تن صداش رو بالا می‌بره... او دنبال بهانه است». مریم می‌گوید: «از یک جرعه کوچک یک خشونت وسیع شروع می‌شود. قهر کاربرد داشته است... چون بعد از قهر دو طرف کوتاه می‌یان».

زری می‌گوید: «خشونت به برداشت طرف باز می‌گردد، یکی با لبخند یک نوع خشونت رو ابراز می‌کند، یکی دعوا، یه کی با دررو کوبیدن... سکوت زیاد هم بد است. اعصابم به هم می‌ریزد. من احساس می‌کنم همسرم بی‌خیال است که سکوت می‌کند».

احساس عدم کنترل و ناتوانی در کنترل خشونت مردان

هنجارهای فرهنگی، مشروعیت اعمال خشونت و اشکال اعمال خشونت منجر به ایجاد نابرابری موقعیت و ترس زنان شده است. تحلیل هما بازتابی از این مفهوم نظری است: «... یعنی اگر کاری رو که من می‌خواهم نکردی، من این قدرت رو دارم که رفتار خشونت‌آمیزرو بکنم. یعنی اگر خواسته منو عملی نکردی، می‌تونم کتک بزنم، چیز پرتاب کنم. شوهرم برای حفظ موقعیت خودش، خشونت نشان می‌داد. شوهرم معتقد بود که اگر خشونت نداشته باشد، زنش سوارش می‌شه... در خانواده رسم بوده است که مرد قلدر باشه. اگر در خانواده‌ای وزنه‌ها به نفع یکی باشد زن یا مرد، آن زن یا مرد می‌خواهد برازندگی خودش را به رخ بکشد و طرف مقابل رو کوچک می‌کند؛ از نظر تحصیلات، موقعیت مالی، خانواده، پدر و مادر همسر و... کاری می‌کند که او خرد شود، بنشیند سر جایش...».

کنندگان گزارش شد. اعمال خشونت از جر و بحث، دعوا تا خشونت فیزیکی کتک زدن متفاوت بود. این اشکال اعمال خشونت بر اساس تحلیل اطلاعات به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند: ۱. جر و بحث، ۲. دعوا، ۳. تحقیر، ۴. تهمت، ۵. شک کردن، ۶. بی‌اعتمادی، ۷. عدم درک، ۸. اجبار، ۹. تهدید کردن، ۱۰. فریاد کشیدن، ۱۱. قهر کردن، ۱۲. سکوت کردن، ۱۳. فحش دادن، ۱۴. پرتاب اشیاء، ۱۵. کتک زدن، ۱۶. ضرب و شتم و ۱۷. تجاوز و خشونت جنسی.

مرجان تعریف می‌کند: «شوهرم فقط خشونت رو با قهر نشان نمی‌دهد. یکی دو بار هم کتک زدن بوده است. شیء پرتاب می‌کند. با پرتاب شیء دستم شکسته است. شوهرم به من اعتماد ندارد. به یک بهانه‌ای به گوشی من زنگ می‌زند تا ببیند روی بی‌صدا باشد... می‌گوید تو با کسی رابطه داری که روی بی‌صدا گذاشتی... یک بار تلفن زنگ زد، اشتباه گرفته بودن، به من شک کرد... یه چیزی پرت کرد دستم ترک برداشت، دستم رو گچ گرفتم».

تعریف هما از اشکال خشونت خانگی چنین است: «شوهرم تا فحش دادن و کتک زدن جلو رفت. همسرم با کوچک‌ترین مسأله‌ای که مطابق میلش نبود، داد و بیداد می‌کرد و به فحاشی متوسل می‌شد و اگر مطابق خواسته‌اش رفتار نمی‌شد، اشیایی را پرتاب می‌کرد. اگر این خشونت نیست، پس چیست؟ خشونت شکل‌های مختلف دارد؛ تحقیر، تهمت، ضرب و شتم، تجاوز و خشونت جنسی. اولین مرتبه در زندگی مشترک هنگام یک بحث، نمکدان را پرتاب کرد و به من گفت برو بیارش. گفتم: چرا؟ گفت برو بیارش تا بهت بگم! خیلی احساس تحقیر شدن بهم دست داد و من این تحقیر کردن رو خشونت تعریف می‌کنم. من موظف بودم علاوه بر کارهای خانه و شاغل بودن و با وجود بچه، همه کارهای شخصی شوهرم را انجام بدهم. حتی مجبور بودم صبح همسرم را ببرم اداره‌اش برسونم. وقتی که می‌خواست درس بخونه حتماً مرا مجبور می‌کرد ببرمش پارک و همه وسایل پذیرایی هم آماده کنم و کنارش بشینم تا درس بخواند. خرید خانه هم با من بود. بعد از ظهر که خسته از سر کار برمی‌گشتم به اجبار باید می‌رفتم خانه فامیلش مهمانی،

دفاع مواجه می‌شدند، استراتژی کوتاه آمدن را پیش می‌گرفتند. هما در این باره گفت: «شوهرم این قبیل رفتارها را در زندگی مشترک تشدید کرد و ادامه داد. من هم همان موضع کوتاه آمدن را در پیش گرفتم».

مهديه تعريف می‌کند: «همسر من بهانه است. من کوتاه می‌آیم. شوهرم وقتی وارد خانه می‌شود از چهره‌اش، بلند حرف زدن و صدای خشن او می‌فهمم که عصبانی است. در قوری رو برمی‌دارد می‌کوبد، این چایی مال کی است؟ از این‌جا شروع می‌شود... بیشتر من کوتاه می‌یام».

تجربیات زری متفاوت است. تعريف او از نقش و موقعیت زن، منجر به تغییر رفتار شوهر و به دست آوردن نتایج مطلوب مشارکت همسر در انجام کارهای خانگی شده است. زری می‌گوید: «اوایل ازدواج یک سال همسر برای مشارکت در انجام کار خانه مقاومت می‌کرد. کار خانه انجام نمی‌داد. یکی دو بار من اعتصاب کردم. من دو روز غذا نمی‌پختم یا غذا می‌پختم، ولی ظرف نمی‌شستم. گاهی هیچ کاری نمی‌کردم، می‌گفتم غذا از بیرون بیاوریم. می‌گفتم وظیفه زن بودن برای من با کار خونه تعریف نشده است. اوایل ازدواج می‌گفتم یا غذا بپز یا ظرف بشور. می‌گفت ظرف می‌شورم، ولی به هر بهانه‌ای ازش درمی‌رفت. بعد آرام آرام پذیرفت. من در مواقعی که ناراحت و عصبانی هستم چند روزی لج می‌کنم، بد و بیراه نمی‌گویم. به غذا پختن اهمیت نمی‌دهم، لج خودم رو در غذا پختن نشان می‌دهم. مدیریت خانه دست من است. مدیریت خانه پدری هم چون فرزند آخر بودم، با من بود که چه کسی رو دعوت کنند. من و تو با هم بیرون کار می‌کنیم من هم پول می‌آورم در خانه. من خیلی بدم می‌آید جلوی مرد سفره بگذارم. عید جلوی مادر همسر، شوهرم گازرو تمیز می‌کرد؛ در حالی که برای خانواده آن‌ها پذیرفته نیست. آن‌ها اعتقاد به کار خانگی مرد ندارند، اما حالا در مقایسه با اوایل ازدواج پذیرفته شده است. یک سال طول کشید تا کنار آمد... بعد هم جلوی خانواده‌اش کار نمی‌کرد. الآن برای خانواده‌اش عادی شده است. باید بدانند اگه پولی در خانه آورده می‌شود، قسطی داده می‌شود، پول منم است. پس باید در کار خانه هم تقسیم باشد».

پدیده‌های نابرابری موقعیت و ترس زنان از نظر شدت، تکرار و مدت، متفاوت بود و ادامه می‌یافت. یک دسته اصلی از پدیده‌های نظری، ترس است؛ یعنی احساس عدم کنترل و ناتوانی در کنترل اعمال خشونت مردان. پروین مصداق این ناتوانی و عدم کنترل خشونت است: «از صدای چرخاندن کلید در خانه و صدای پای همسر می‌فهمم که عصبانی است. برای آن‌که با هم روبه‌رو نشویم برای مدت طولانی می‌روم دستشویی. بچه‌ها هم می‌ترسن... هر کسی یه کاری می‌کنه خودش رو مشغول می‌کنند یا ازش پذیرایی می‌کنن. هر چی بگویند و داد بکشند من چیزی نمی‌گویم. من می‌ترسم و می‌لرزم».

تجربیات هما نیز بازتاب این ناتوانی است: «همسر رفتارهای خشونت‌آمیزش را تشدید کرد و ادامه داد و من از ترس آبرو و به هم خوردن رابطه سکوت کردم». زری می‌گوید: «شوهرم با رفتارش می‌خواهد موقعیت خودش رو حفظ کند».

مهديه می‌گوید: «تازه دو روز بود عقد کرده بودیم که همسر سر جهیزیه قهر کرد. دعوا شد، اون قهر کرد. دو روز نیامد. می‌گفت امکان داره دیگه نیام، من هم ترسیدم. اولین ترس از اون‌جا شروع شد. همسر بعد از چند روز منو اتفاقی بیرون دید. گفت: فکر کردی ولت کردم رفتم؟ ترسیدی؟ هنوز هم همیشه اینو تکرار می‌کنه».

شکل‌گیری کوتاه آمدن زنان

پدیده‌های ترس زنان، نابرابری موقعیت زنان با مردان در خانواده و عدم حمایت خانواده زن از او در هنگام بروز رفتار و اعمال خشونت خانگی، منجر به شکل‌گیری کوتاه آمدن شده است. مشارکت کنندگان به دلیل هنجار فرهنگی پنهان کردن مسایل خانواده، کوتاه می‌آمدند. به طور تقریبی همه آنان دفاع از خود را در عرصه آشپزی و آشپزخانه و کارهای خانه، اعمال می‌کرده‌اند. زنان ضمن کوتاه آمدن در جنگ و دعوای خانگی، با آشپزی نکردن یا نحوه و میزان سرو غذا، مشترک و هم‌زمان غذا نخوردن، ظرف نشستن، لباس‌های مرد را نشستن و اتو نکشیدن واکنش نشان می‌دادند. به عبارت دیگر از یک طرف کوتاه می‌آمدند و از طرف دیگر در عرصه آشپزخانه و کار خانگی، مانور قدرت می‌دادند. هنگامی که با خشونت مجدد مرد و «بالا گرفتن جنگ» در واکنش به این

این همه سال کار کردی، هیچ چیز نداری، ولی شوهرم به رویش نمی‌آورد که من پول دارم یا نه؟».

هما و پروانه با تحصیلات کارشناسی ارشد و اشتغال و درآمد، از مصادیق دیگر این فرضیه می‌باشند. با توجه به شرایط شغلی، درآمدی و تحصیلی زنان مورد مطالعه، فرضیه ویژگی عمومی و فراگیر بودن خشونت در خانواده بین همه پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی شکل گرفت.

بحث

یکی از مهم‌ترین نتایج این مطالعه، فرضیه ویژگی عمومی و فراگیر بودن خشونت در خانواده بین همه پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی می‌باشد. نتایج تحقیق Dobash نشان داده است که خشونت در همه خانواده‌ها و بین همه سطوح پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی وجود دارد (۱۹). گزارش‌های جهانی در مورد خشونت نشان می‌دهد که در شیلی ۶۳ درصد، در گینه نو ۶۲ درصد، در آمریکا ۳۵ درصد و در کلمبیا ۲۰ درصد زنان مورد آزار جسمی شوهرانشان قرار گرفته‌اند. همین گزارش نشان می‌دهد که عامل فوت بیش از نیمی از مقتولان زن در کانادا و بنگلادش ناشی از خشونت همسرانشان بوده است (۲۰). خانواده، مکان اعمال قدرت مردان شناخته می‌شود و برای حفظ قدرت، اعمال خشونت مردان مشروعیت می‌یابد. شرایط و موقعیت زنان با ازدواج با مخاطره روبه‌رو می‌شود. ترس از جدایی، آبروی خانواده و قضاوت جامعه از جمله مخاطراتی است که زنان با آن مواجه هستند. جنسیت و سن، زنان را در موقعیت پایین‌تر در مقایسه با مردان قرار می‌دهد. بر اساس نظام پدرسالاری، هنگامی که مردان رفتارهای خشونت‌آمیز بر علیه زنان در خانواده اعمال می‌کنند، این زنان هستند که باید توضیح دهند که از کدام وظیفه مورد انتظار عدول کرده‌اند که با رفتار خشونت‌آمیز شوهر مواجه شده‌اند (۲۱). ارتباط مشخصی میان رفتار خشونت‌آمیز مردان نسبت به زنان و هنجارهای اجتماعی یافت شده است. مردانی که با همسران خود بدرفتاری دارند، در فرهنگی زندگی می‌کنند که در آن حاکمیت مردان بسیار بیشتر از زنان است. از ویژگی‌های دیگر این فرهنگ، تأیید پرخاشگری مردان،

تفاسیر زنان مشارکت کننده حاکی از شروع تردیدها و سؤالات در مورد کوتاه آمدن است. مهدیه می‌گوید: «... و من هم می‌گویم تا کی باید کوتاه بیایم؟». سایر شرکت کنندگان از تجربیات مقاومت و کوتاه نیامدن در برخی موقعیت‌ها تعریف می‌کنند. مرجان مصداق این تجربیات است: «وایل من کوتاه می‌آمدم، ولی حالا کوتاه نمی‌ام. خیلی فحش می‌دهد. داد و بیداد می‌کند. من هم جواب می‌دهم، فحش می‌دهم. اگه فحش بده کوتاه بیام، بذتر می‌کنه، بیشتر ادامه می‌ده. جواب بدم می‌ره صدای تلویزیون رو بالا می‌بره و اگه طولانی بشه، رها می‌کنه. تمام زندگی ما دعوا و فحش است. گذشت زیاد خوب نیست، باید گذشت حد داشته باشد. همیشه و همه جا خودمان باشیم، مهمان داشته باشیم یا مهمانی رفته باشیم در مقابل همه بحث را شروع می‌کند. به همین دلیل هم من باهانش بیرون و مهمانی نمی‌رم. جلوی همه منو سبک می‌کند. من اولاً پیشقدم می‌شدم برای آشتی ولی الآن اصلاً حاضر نیستم، چون هر کاری برایش می‌کنم وظیفه من می‌داند، تا حالا نشده یک ربع ساعت با هم باشیم، ولی با هم دعوا نکنیم».

هما پس از ۲۴ سال زندگی مشترک، دادخواست طلاق داده است. هما تعریف می‌کند: «من بعد از ۲۴ سال زندگی مشترک اعتراض کردم. همسرم گفت کاشکی اول ازدواج جیغ می‌زدی. نه تحمل کنی و هیچ نگویی تا کار به این جا برسد. من دادخواست طلاق دادم. دیدم شوهر ترس ندارد. ما خودمان از آن‌ها غول ساخته‌ایم. شوهرها خیلی ضعیف هستند و این زنان هستن که آن‌ها را بزرگ می‌کنن. البته برخی زنان حتی اگر مجال هم بهشون بدهید نمی‌توانند تصمیم‌گیری کنند. این به تجربیات خانه پدری مربوط می‌شود. در مقابل خشونت مرد، در واقع شما شروع کننده نیستی، شما داری از خودت دفاع می‌کنی».

تشکل‌گیری فرضیه عمومی و فراگیر بودن خشونت خانگی بین همه پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی

اگرچه زنان مورد مطالعه، شاغل بودند، اما اشتغال آنان نه تنها مانع خشونت خانگی نشده است، بلکه در مواردی نیز تشدید کننده خشونت بر علیه آنان بوده است. پروین مصداق این مدعا است: «هیچ پس‌اندازی برای خودم ندارم. همه می‌گویند

می‌کند. نگرستن به جهان و رویدادهای اجتماعی از دیدگاه مردم مورد مطالعه، ویژگی اصلی پژوهشگران کیفی است.

نتیجه‌گیری

با توجه به فرایند تحلیل داده‌ها، فرضیه ویژگی عمومی و فراگیر بودن خشونت در خانواده بین همه پایگاه‌های اقتصادی- اجتماعی شکل گرفت. در رابطه با خشونت، معانی مشترکی در گروه وجود داشت. هر زن در مورد موضوع خشونت، پاسخ خاص خودش را داد. این نشانگر معانی منحصر به فردی است که هر زن به جنبه تجربه خشونت نسبت می‌دهد. اگرچه هر زن به طور جداگانه پاسخ می‌داد، ولی همه آن‌ها با هم معانی مشترکی در مورد خشونت دارند. این معانی مشترک پایه ارتباط و تعامل بین افراد را فراهم می‌کند. اگرچه زنان گروه‌های مختلف سنی مربوط به نسل‌های متفاوت به طور جداگانه پاسخ می‌دادند، اما همه آن‌ها مفاهیم مشترکی در مورد خشونت در خانواده دارند. بر اساس یافته‌های تحقیق، تغییر در تفسیر زنان از موقعیت خود و تعاملات اجتماعی با مردان، تغییر در مطالبات خانوادگی زنان و بازتعریف زنان از نقش خود در خانواده، عامل تغییرات اساسی در روابط زن و مرد در خانواده شده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه، با توجه به فرضیه فراگیر بودن خشونت در خانواده بین همه پایگاه‌های اقتصادی- اجتماعی، توجه جدی به کنترل خشونت در خانواده ضروری به نظر می‌رسد. پس از مدت‌ها صرف زمان، دسترسی به نمونه‌هایی که واجد شرایط لازم و حاضر به همکاری باشند، محقق شد. ارتباط طولانی مدت محقق با مطلعین کلیدی و مشارکت کنندگان، آشنایی با نحوه تفسیر آنان از خشونت، تعاملات خانوادگی و اجتماعی جدید و کشف روابط پنهان داده‌ها، تجربه متفاوتی را برای محقق رقم زد.

وجود حاکمیت مردانه و فرمانبرداری زنان است؛ بنابراین در جوامع پدرسالارانه استفاده از قدرت برای اثبات و برقراری امتیازات مردان دارای مشروعیت است.

هدف این تحقیق کیفی، کشف فرایند فهم و درک مبتنی بر سنت‌های فرهنگ و جهان‌بینی‌های زنان به عنوان کنشگران اجتماعی می‌باشد. تحقیق با هدف مطالعه چگونگی تعریف زنان شهر اصفهان از خشونت و مفهوم‌سازی آنان از این‌که چه چیزی رفتار خشونت‌آمیز علیه زنان را تشکیل می‌دهد، انجام شد. مطالعه حاضر به روش کیفی و تکنیک مصاحبه گروهی متمرکز انجام گردید و سعی کرد تعریف زنان نسبت به خشونت خانگی را از زبان خود آنان بازگو کند. این مطالعه به دنبال درک عمیق تجارب زنان شاغل شهر اصفهان از خشونت خانگی بود.

یافته‌های مطالعه حاضر دیدگاه فمینیستی که تسلط مرد و اجتماعی شدن جهت استفاده از قدرت را منشأ خشونت می‌داند، تأیید می‌کند. این دیدگاه بیان می‌کند که خشونت خانگی نتایج پدرسالاری و تسلط مرد و نابرابری جنسی است (۱۱). در سراسر جهان خشونت علیه زنان از باور برتری و تسلط مردان بر زنان نشأت می‌گیرد (۱۰). زنانی که با اعمال خشونت شوهرانشان مواجه می‌شدند، دارای عملکرد اجتماعی پایین‌تری بودند (۲۲). در مصاحبه‌های کیفی، زنان به طور کامل بر این موضوع واقف بودند که زندگی آنان به وسیله اشکال مختلف خشونت تهدید می‌شود و بستر اجتماعی و ارزش‌هایی که در جامعه زنان را بی‌اعتبار می‌سازد، به طور کامل مشوق خشونت علیه آنان است. در تحقیق کیفی حاضر موضوعات مرتبط با زمینه‌هایی که خشونت در آن اتفاق می‌افتد و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی مرتبط بررسی شد. این تحقیق اطلاعاتی درباره تجارب زندگی زناشویی زنان ارائه می‌دهد که در فهم نسبت به خشونت خانگی کمک

References

1. Kar M. Research about violence against women in Iran. Tehran, Iran: Roshangaran Publication; 2001. [In Persian].
2. Giddens A, Duneier M, Appelbaum RP. An Introduction to Sociology. 4th ed. New York, NY: W W Norton & Company Incorporated; 2003.
3. Ramos BM, Carlson BE. Lifetime abuse and mental health distress among English-speaking latinas. Affilia 2004; 19(3): 239-56.

4. Ludermer AB, Schraiber LB, D'Oliveira AF, Franca-Junior I, Jansen HA. Violence against women by their intimate partner and common mental disorders. *Soc Sci Med* 2008; 66(4): 1008-18.
5. Molavardi SH. Dissection violence against women. Tehran, Iran: Hoghoghdanan Publication; 2006. [In Persian].
6. Standley K. Family law. In: Rutter SM, Bishop D, Pine D, Scott S, Stevenson JS, editors. *Rutter's child and adolescent psychiatry*. Hoboken, NJ: John Wiley & Sons; 2006.
7. Seltzer JA. Socialization and stress explanations for spouse abuse. *Social Forces* 1988; 67(2): 473-91.
8. Hosseinchari M, Raisi T. The roots of violence against women in the family. *Journal of Family Research* 2012; 8(29): 7-18. [In Persian].
9. World Health Organization. WHO multi-country study on women's health and domestic violence against women [Online]. [cited 2005]; Available from: URL: http://whqlibdoc.who.int/publications/2005/9241593512_eng.pdf.
10. Dasgupta SD. Body evidence: intimate violence against South Asian women in America. New Jersey, NJ: Rutgers University Press; 2007.
11. Zavala E. Non physical intimate partner violence emotional abuse and controlling behavior against women [Thesis]. El Paso, TX: The University of Texas at El Paso; 2007.
12. Brown SC. Learning Across the Campus: How College Facilitates the Development of Wisdom [Thesis]. Washington, D.C: University of Maryland, College Park; 1999.
13. Denzin NK, Lincoln YS. *The SAGE handbook of qualitative research*. New York, NY: SAGE; 2000.
14. Stake RE. *The art of case study research*. New York, NY: SAGE; 1995.
15. Creswell JW. *Research design: qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. New York, NY: SAGE; 2003.
16. Mohammadi B. *Qualitative research*. Tehran, Iran: Institu for Humanities and Cultural Studies; 2008. [In Persian].
17. Wolcott HF. *Writing up qualitative research*. New York, NY: SAGE; 2001.
18. Denzin NK, Lincoln YS. *The landscape of qualitative research: theories and issues*. New York, NY: Sage Publications; 1998. p. 195-220.
19. Dobash RE. Domestic violence: arrest, prosecution, and reducing violence. *Criminology and Public Policy* 2003; 2(2): 313-8.
20. Yildizhan R, Adali E, Kolusari A, Kurdoglu M, Yildizhan B, Sahin G. Domestic violence against infertile women in a Turkish setting. *Int J Gynaecol Obstet* 2009; 104(2): 110-2.
21. World Health Organization. Violence against women [Online]. [cited oct 2008]; Available from: URL: <http://www.who.int/mediacentre/factsheets/fs239/en/>
22. Kim J, Park S, Emery CR. The incidence and impact of family violence on mental health among South Korean Women: results of a national survey. *Journal of Family Violence* 2009; 24(3): 193-202.

Women Experiencing Domestic Violence: A Qualitative Study

Mojdeh Kiani¹

Original Article

Abstract

Introduction: Violence against women is a universal phenomenon which is experienced in public and private areas. The aim of the study was to review the women from Isfahan, Iran who experienced types of domestic violence.

Method: This study was done through the qualitative method and interpreting and the phenomenological approaches by participation of 10 employed married females with conducting focus group discussion sessions and discovering and deep interviews in a 12 months period in 2013. Data were collected and registered and then they were encoded. These general categories resulted to the extraction of a core category in which included the fundamental category of the study.

Results: Age of the participants in this study varied between 30 to 53 years. Their educational level has ranged from literacy to the university graduated. The findings indicated that the initial disputes and violence behaviors of the couples, starts since marriage spouse ceremony. Various forms of family violence were reported by the participants. Violence varied from arguing, fighting, physical violence, beating up and etc.

Conclusion: Given to the procedure of data analyzing, the assumption of general attributes and transmission of the violence in family was formed among all socio-economical bases.

Keywords: Employed married females, Domestic violence, Phenomenological approach

Citation: Kiani M. **Women Experiencing Domestic Violence: A Qualitative Study.** J Qual Res Health Sci 2014; 3(1): 14-26.

Received date: 21.12.2012

Accept date: 30.01.2014

1- Assistant Professor, Department of Social Sciences, Segment of Social Sciences, Tehran Branch, Payame Noor University, Tehran, Iran

Corresponding Author: Mojdeh Kiani PhD, Email: mjdhkiani@yahoo.com